دو فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، سال ششم، شماره دوم (پیاپی۱۲)، بهار و تابستان ۱۳۹٦، صص ٥-۳٤

اصول حاکم بر اعتباری‌سنجی در مدیریت ریسک‌اعتباری بانکداری اسلامی از نگاه قرآن

احسان ذاکرنیا*
امیر خادم‌علیزاده**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰٤/۲٤
تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۰۹

چکیده

ریسک‌اعتباری در بانکداری زیانی است که در اثر تأخیر یا نکول گیرنده تسهیلات در عمل به تعهدات خود در موعد مقرر ایجاد می‌گردد و به عنوان یکی از مهم‌ترین ریسک‌های صنعت بانکداری می‌باشد. یکی از عوامل مهم ایجادکننده ریسک‌اعتباری در بانک‌ها، عدم توجه کافی و اعتبارسنجی نامناسب مشتریان است. یعنی تسهیلات در اختیار کسانی قرار داده می‌شود که صلاحیت لازم را نداشته و لذا عمداً یا سهواً از بازپرداخت تسهیلات بازمانده یا امتناع می‌کنند. این پژوهش قرآنی از نوع توصیفی – تحلیلی بوده و آیاتی از قرآن کریم که به تبیین جایگاه و اهمیت مال و شرایط تصرف در مال و شخصی که می‌خواهد مالی را در اختیار گیرد پرداخته‌اند و بنیاد روش تفسیر موضوعی و به مدد موضوع‌شناسی اقتصاد مالی، مورد بررسی و تدبر قرار گرفته است. سوال اصلی این پژوهش این است که آیات قرآن در نفی ریسک اعتباری بر چه اصولی تأکید داشته و بر وجود چه ویژگی‌هایی در شخص وام‌گیرنده جهت دریافت تسهیلات دلالت دارند؟ برای پاسخ‌دهی به این پرسش، فرضیه ما این است که از نظر قرآن کریم، اصول لزوم رعایت عدالت اجتماعی، خلیفه اللهی انسان، لزوم وفای به عهد، لزوم حاکمیت اخلاق اسلامی بر بازار مالی مسلمانان، قوام جامعه بودن اموال، لزوم استفاده صحیح از اموال و ندادن مال به سفیه و اصل لاضرر در معاملات و روابط مالی، باید جهت‌دهنده رفتار بانکداری اسلامی در حوزه مدیریت ریسک‌اعتباری باشد که به دلالت التزامی بر اعتبارسنجی دقیق مشتریان با هدف کاهش ریسک‌اعتباری اشاره دارد. یافته‌های پژوهش به طور کامل موید این فرضیه‌ها بود.

واژگان کلیدی

ریسک‌اعتباری، مدیریت‌ریسک، بانک، اعتبارسنجی، قرآن، مال

طبقه‌بندی JEL: Z12, G31, G21

*. دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق(ع) و عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) ehsanzakernia@isu.ac.ir

**. استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی(ره) aalizadeh@atu.ac.ir

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

ریسک‌اعتباری و مطالبات معوق بانکی یکی از جلوه های فساد و از آفات دام‌گیر اقتصاد کشورها است. ریسک‌اعتباری به‌احتمال عدم‌تحقق جریانات نقدی وعده داده شده توسط قرض گیرنده یا نهاد مالی منتشرکننده اوراق بهادار مانند اوراق قرضه گفته می‌شود (Saunders et al, 2003, p.186) و اصطلاحاً در بانکداری به حالتی اطلاق می‌شود که مشتری بانک و گیرنده تسهیلات نخواهد یا نتواند به تمام یا بخشی از تعهدات خود عمل کند. در بانکداری متعارف انواع اقسام روش‌های کاهش ریسک‌اعتباری مطرح گردیده و بانک‌ها در مراحل مختلف سعی به کاهش احتمال مواجهه با این ریسک را می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مراحل این فرآیند مرحله قبل از اعطای تسهیلات و سنجش صلاحیت‌های وام‌گیرنده است که اصطلاحاً به آن فرآیند اعتبارسنجی و کارشناسی اعطای تسهیلات گفته می‌شود.

اهمیت این پژوهش آنجاست که با وجود اینکه پژوهش‌های متعدد به ویژگی‌های اعتباری و شخصیتی و غیره که یک فرد جهت در اختیار گرفتن منابع بانکی لازم است پرداخته شده است، ولی تا کنون به صورت شایسته از منظر قرآنی به این موضوع و ویژگی‌های مهم از منظر قرآن در این حوزه پرداخته نشده است. پرسش‌های پژوهش اینست که آیات قرآن در نفی ریسک‌اعتباری بر چه اصولی تأکید دارند؟ و بر وجود چه ویژگی‌هایی در شخص وام‌گیرنده (حقیقی یا حقوقی) جهت دریافت تسهیلات دلالت دارند؟ و چگونه اعتبارسنجی مشتریان تسهیلات را لازم می‌دانند؟ برای پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها، فرضیه‌های ذیل ارائه می‌شوند:

اصولی مانند لزوم عدالت اجتماعی، وفای به عهد، نظریه جانشینی انسان و اصل قوام جامعه بودن اموال در قرآن بر نفی ریسک‌اعتباری دلالت دارند و بالالتزام اعتبارسنجی مشتریان تسهیلات را لازم می‌دانند. همچنین وام‌گیرنده از منظر قرآن باید بالغ، عاقل، امین، صالح و دارای صلاحیت علمی و مهارتی لازم باشد و بانک برای اعطای تسهیلات باید این مؤلفه‌ها را لحاظ کند. این مقاله در بخش‌های زیر ساماندهی شده است. در بخش اول مقدمه و تبیین مسأله صورت می‌گیرد؛ در بخش دوم ادبیات پژوهش ذکر شده و در بخش سوم روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش تبیین شده

Archive of SID

www.SID.ir

است. مبانی نظری قرآنی و مالی پژوهش در بخش چهارم بیـان مـی‌گـردد و در بخـش پنجم آثار ریسک‌اعتباری حداقلی مورد اشاره قرار می‌گیرد و با خلاصه و نتیجه‌گیری در بخش پایانی سامان می‌یابد.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. مفاهیم پایه

- تعریف ریسک: ریسک در لغت به مفهوم احتمال بروز خطر یا روبه‌رو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن، کاهش درآمد و زیان دیدن است و به‌طور عرفی عبارت است از خطری که به علت عدم‌اطمینان در مورد وقوع حادثه‌ای در آینده پیش می‌آید. در اصطلاح مالی ریسک یک دارایی عبارت است از تغییر احتمالی بازده آتی ناشی از آن دارایی (Weston & Brigham, 1978, p.87). عده‌ای هم معتقدند ریسک، نوعی عدم‌اطمینان به آینده است که قابلیت محاسبه داشته باشد (ویلیامز و هاینز، ۱۳۸۲، ص۳۲).
- مدیریت ریسک: به کل فرآیندی اطلاق می‌شود که نهادهای مالی برای تعریف استراتژی کسب‌وکار، میزان ریسک‌های در معرض کسب‌وکار، کمی‌سازی آن ریسک‌ها و در نهایت شناسایی و کنترل ماهیت ریسک‌های پیش روی به کار می‌برند (Cumming, 2001, p.3).
- انواع ریسک: بانک‌ها با توجه به نوع فعالیت‌های خود در معرض محدوده وسیعی از انواع ریسک‌ها قرار دارند و تقسیم‌بندی‌های متعددی از انواع ریسک‌های بانکی ارائه شده است. در متداول‌ترین نوع تقسیم‌بندی، ریسک را به دو دسته سیستماتیک و غیرسیستماتیک تقسیم می‌کنند. ریسک سیستماتیک با کل بازار و اقتصاد در ارتباط است؛ ولی ریسک غیرسیستماتیک فارغ از تأثیرات بازار بوده و به ویژگی‌های خود شرکت مربوط می‌شود (Ross, 2013, p.415).

در طبقه‌بندی دیگری از ریسک که توسط اُلدفیلد[۱] و سانتامرو[۲] (۱۹۹۷) ارائه گردیده، ریسک‌ها به سه نوع ریسک‌های قابل اجتناب، ریسک‌های قابل انتقال و ریسک‌های قابل مدیریت تقسیم می‌شوند. تکنیک‌های اجتناب از ریسک، شامل

Archive of SID

www.SID.ir

استانداردسازی تمامی فعالیت‌ها و فرآیندهای مرتبط با کسب‌وکار و ایجاد پرتفوی متنوع است. تکنیک‌های انتقال ریسک، شامل استفاده از مشتقات برای پوشش ریسک و خریدوفروش موقعیت‌ها هست. برخی ریسک‌ها نیز قابل‌اجتناب یا انتقال نبوده و بایستی توسط بانک‌ها پذیرفته و مدیریت شوند.

از نظر گروه دیگر، ریسک فعالیت اقتصادی در بانکداری به چهار گروه ریسک‌های مالی، ریسک‌های عملیاتی، ریسک‌های تجاری و ریسک‌های وقایع تقسیم‌بندی می‌گردد. در بین این چهار گروه ریسک‌های مالی از بیشترین اهمیت برخوردار هستند (Greuning & Bratanovic, 2003, p.7).

یکی از مهم‌ترین ریسک‌هایی که بانک‌ها را تهدید می‌نماید ریسک‌اعتباری است که موضوع پژوهش حاضر است.

۱-۲. ریسک‌اعتباری[۳]

مطابق تعریف یک بانک زمانی با ریسک‌اعتباری مواجه می‌شود که مشتریان دریافت‌کننده تسهیلات نخواهند یا نتوانند به موقع نسبت به بازپرداخت اصل یا فرع تسهیلات دریافتی خود اقدام نمایند و در واقع از انجام تعهدات خود نکول کنند (Saunders et al, 2003, p.186). با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر بررسی پدیده ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی می‌باشد در ادامه به صورت مبسوط‌تر به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

۱-۳. اهمیت مدیریت ریسک‌اعتباری

امروزه با وجود ابداع و نوآوری‌های موجود در بخش خدمات مالی، این نوع ریسک هنوز به عنوان دلیل عمده عدم‌موفقیت و ورشکستگی مؤسسات مالی محسوب می‌شود و سالانه بانک و مؤسسات مالی بسیاری به علت مشکلات اعتباری دچار زیان‌های زیاد یا حتی ورشکسته می‌شوند. عمده علت این موضوع این است که معمولاً حدود ۸۰ درصد از ترازنامه یک بانک به جنبه‌هایی از این نوع ریسک مرتبط است (Greuning & Bratanovic, 2003, p.12)، لذا مدیریت ریسک‌اعتباری در هر مدل بانکداری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

Archive of SID

www.SID.ir

۱-٤. هدف از مدیریت ریسک‌اعتباری

هدف از مدیریت ریسک‌اعتباری، آن است که با حفظ ریسک‌اعتباری در محدوده‌های قابل قبول، نسبت بازگشت اعتبارات بانکی موزون شده به ریسک حداکثر شود. بانک‌ها همچنین باید رابطه میان ریسک‌اعتباری با سایر ریسک‌ها را نیز در نظر بگیرند. مدیریت کارای ریسک‌اعتباری جزئی از یک روش جامع مدیریت‌ریسک و شرط اساسی موفقیت بلندمدت هر بانک محسوب می‌گردد (Basel, 1994, p.4).

۲. آثار اجتماعی و اقتصادی تأخیر پرداخت دیون

تأخیر در پرداخت دیون به ویژه زمانی که این تأخیر ناشی از تخلف بدهکار باشد، آثار سوء اجتماعی و اقتصادی بر جای می‌گذارد که برخی از آنها بدین قرار است.

۱. اختلال در برنامه‌های اقتصادی بانک‌ها و مؤسسات مالی.
۲. خسارت اقتصادی طلبکاران.
۳. تأخیر در پرداخت بدهی به ویژه زمانی که مبلغ آن سنگین یا تعداد آنها گسترده باشد، انواع خسارت‌های اقتصادی برای طلبکاران به همراه دارد، از جمله:
   - خسارت ناشی از ورشکستگی مؤسسات.
   - خسارت ناشی از هزینه‌های قضایی پیگیری وصول مطالبات.
   - خسارت ناشی از کاهش ارزش پول.
   - خسارت ناشی از عدم نفع.
٤. گسترش تخلفات مالی و سلب اعتماد عمومی.
۵. سنگین شدن وثیقه‌ها و ضمانت‌ها به جهت کاهش اعتماد عمومی بانک‌ها و عدم‌امکان استفاده قشر متوسط و ضعیف جامعه از تسهیلات بانکی به این جهت.
٦. افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی به جهت افزایش هزینه‌های عملیات بانکی ناشی‌از مطالبات معوق.
۷. از دست دادن مشتریان ممتاز (موسویان، ۱۳۸۵، صص ۱۰۹-۱۱۰).

۳. موضع قرآن نسبت به مال و ریسک

از نظر قرآن، مال و ثروت، فضل الهی است، که این مطلب به عنوان نمونه در آیات ۱۹۸

Archive of SID

www.SID.ir

سوره بقره، ۲ سوره مائده، ۲۷۲ و ۲۷۳ سوره بقره، ۹۵ سوره کهف، ۱۱ سوره حج و ۲٤ سوره قصص، ۸ سوره عادیات و ۷٦ سوره توبه بیان شده است. ولی مال و ثروت دنیوی با وجود اینکه از نظر قرآن مصداق خیر و تفضل الهی هستند به خودی خود ارزشمند نبوده و نباید به عنوان مقصد و هدف زندگی انسان‌ها قرار بگیرند، بلکه مال و ثروت فقط در صورت بهره‌برداری درست و در راستای رضایت الهی به معنای واقعی کلمه برای انسان مایه خیر و برکت است و چه بسیار افرادی که مال و ثروت را هدف زندگی خود قرار داده‌اند و همین مال و اموال مایه امتحان و خسران ابدی آنها می‌شود. قرآن کریم در رابطه با استفاده صحیح از مال هم نسبت به امور اخروی و عدم‌تعدی از ضوابط شرعی و اخلاقی که به امور اخروی افراد آسیب می‌زند توجه داده و هم نسبت به استفاده صحیح از اموال در این دنیا و جلوگیری از تباهی ظاهری اموال به واسطه استفاده نادرست و افراط و تفریط تذکر می‌دهد. در واقع قرآن هم نسبت به مدیریت ریسک‌های دنیوی و هم نسبت به مدیریت‌ریسک‌های اخروی که می‌تواند به انسان و اموال او آسیب برساند حساسیت نشان داده و با دادن اصول و ضابطه‌هایی سعی در مدیریت آنها نموده است. به عنوان مثال با تحریم ربا، قمار، اعطای مال به سفیه و غیره جلوی اموری را گرفته که می‌تواند منشأ ریسک و ضررهای دنیوی و اخروی برای انسان‌ها گردد. تبیین این منظر قرآنی در بخش تفسیرات آورده خواهد شد.

٤. پیشینه تحقیق

موسویان و موسوی بیوکی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی امکان استفاده از سوآپ بازده کل جهت مدیریت ریسک‌اعتباری در بانکداری اسلامی – اقتصاد اسلامی»، با روش توصیفی – تحلیلی پس از تبیین جایگاه بانک در میان نهادهای پولی کشور و انواع ریسک‌هایی که بانک‌ها با آن روبرو هستند، ریسک‌اعتباری را از مهم‌ترین و پرهزینه‌ترین ریسک‌های نظام بانکی معرفی کرده و سوآپ بازده کل، را به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده در مدیریت‌ریسک‌اعتباری در بانکداری متعارف مورد تحلیل فقهی قرار می‌دهد. این مقاله فرضیه امکان انطباق این سازوکار با قرارداد «بیع دین به ثمن مؤجل، بیع کالی به کالی و صلح دین به دین» را مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که به لحاظ مخالفت

Archive of SID

www.SID.ir

مشهور فقیهان شیعه و عدم رعایت برخی شرایط عمومی قراردادها، استفاده از این ابزار مالی با ساختار رایج آن، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد، اما یک ساختار اصلاح شده جایگزین پیشنهاد می‌دهد.

خوانساری و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی امکان به‌کارگیری سوآپ نکول اعتباری و ورق اعتباری در مدیریت‌ریسک‌اعتباری بانک‌ها»، استفاده از مشتقات اعتباری یکی از این روش‌ها و سوآپ نکول اعتباری و ورق اعتباری را از جمله متداول‌ترین مشتقات اعتباری مورد استفاده برای مدیریت‌ریسک‌اعتباری دانسته و به بررسی فقهی امکان به کارگیری ابزارهای مذکور در نظام بانکداری کشور با استفاده از روش توصیفی- تحلیل پرداخته و در تأیید سوآپ نکول اعتباری و اشکال‌دار بودن ورق اعتباری را به عنوان نتیجه پژوهش خود بیان می‌دارند.

نظرپور و رضایی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ریسک‌اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات»، به دنبال اثبات این فرضیه هستند که عقود مبادله‌ای ریسک‌اعتباری کمتری در مقایسه با عقود مشارکتی برای مؤسسات مالی و بانک‌ها ایجاد می‌کنند. براساس یافته‌های این مقاله که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است؛ اگرچه عقود اسلامی غیرمشارکتی (مبادله‌ای) در مقایسه با عقود مشارکتی ریسک کمتری در بردارند، اما این عقود نیز واجد ریسک بوده و بانک‌های اسلامی را در معرض ریسک‌اعتباری قرار می‌دهند و لازم است مدیریت گردند.

میرغفوری و آشوری (۱۳۹٤)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی ریسک‌اعتباری مشتریان بانک‌ها»، به ارائه مدلی جهت ارزیابی ریسک‌اعتباری مشتریان بانک‌ها با رویکرد داده‌کاوی ویژه مشتریان حقوقی بانک تجارت تهران می‌پردازند. در این تحقیق از یک روش پارامتریک (رگرسیون لجستیک) و یک روش ناپارامتریک (درخت تقسیم و رگرسیون) برای ایجاد مدل امتیازدهی اعتباری استفاده شده است. نتایج حاصل از ارزیابی حاکی از آن است که روش‌های ناپارامتریک دارای دقت قابل رقابتی با روش‌های پارامتریک می‌باشند.

موسوی و آقامهدوی (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی استفاده از سوآپ نکول اعتباری برای مدیریت‌ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی»، با استفاده از روش

Archive of SID

www.SID.ir

توصیفی – تحلیلی پس از معرفی انواع حالت‌های ریسک اعتباری و اینکه ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف شدیدتر است به تبیین جایگاه استفاده از ابزار سوآپ نکول اعتباری جهت مدیریت‌ریسک و امکان استفاده از آن در بانکداری‌اسلامی می‌پردازد.

کبیر و ورثینگتون[۴] (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی و بانکداری متعارف»، به تبیین میزان ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی و بانکداری متعارف پرداخته‌اند و یکی از علل بروز ریسک‌اعتباری در بانک را استفاده صرف از اطلاعات حسابداری افرادی جهت سنجش اعتبار آنها می دانند، که این مسأله منجر به تصمیم‌گیری‌های غلط در بانکداری‌اسلامی می‌گردد. آنها معتقدند استفاده از سنجه‌های بازار مبنی در سنجش ریسک‌اعتباری افراد مانند مدل فاصله تا نکول مرتون[۵] می‌تواند ریسک‌اعتباری را کاهش داده دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد براساس این شاخص ریسک‌اعتباری بانک‌های اسلامی از بانک‌های متعارف کمتر است. در حالی که سنجه‌های حسابداری نتیجه معکوسی را نشان می‌دهند.

به طور کلی تحقیقات گذشته به ارائه اهمیت موضوع پرداختن به مدیریت‌ریسک‌اعتباری در بانک‌ها و اهمیت موضوعاتی نظیری اعتبارسنجی پیش از اعطای تسهیلات و همچنین معرفی ابزارهای کمی و کیفی مورد استفاده جهت تحقق این مهم پرداخته‌اند. پاره‌ای تحقیقات نیز به بررسی امکان‌سنجی فقهی استفاده از برخی ابزارهای نوین مالی مورد استفاده در نظام بانکی متعارف در بانکداری‌اسلامی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر ضمن اشتراکاتی که در قسمت اهمیت موضوع و ادبیات موضوع با تحقیقات گذشته دارد و زاویه دید جدیدی را پیش روی محققین می‌گشاید و از دید قرآنی و اسلامی به تبیین جایگاه و اهمیت استفاده بهینه از مال می‌پردازد و بر ضرورت سنجش صلاحیت‌های عمومی و تخصصی متقاضیان تسهیلات از بانک‌های اسلامی و تأثیر سنجش‌اعتباری صحیح در حفظ ثبات اجتماعی و رعایت امانت از دیدگاه قرآنی تأکید کرده که از این جهت نسبت به تحقیقات گذشته بدیع می‌باشد.

Archive of SID

www.SID.ir

۵. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق موضوعی قرآن در بستر تفسیر موضوعی بهره گرفته شده است و با مراجعه به تفسیرهای مفسران صاحب منهج و کاربست روش برداشت از آیات اقتصادی – منظور از آیات اقتصادی، آیاتی است که تماماً یا بعضاً به آموزه و حکمی از احکام اقتصادی قرآن اشاره دارد. دلالت و راهنمایی آیات اقتصادی گاهی آشکارا و مستقیم و زمانی از نوع دلالت‌های تضمنی یا التزامی است که در علم منطق به عنوان یکی از پیش نیازهای فهم آیات قرآن به تفصیل آمده است. در این نوشتار، هر آیه از آیات قرآن که هنجاری اقتصادی (ارزش‌ها، باید و نبایدهای اقتصادی) و یا اصل و موضوعی اثباتی را مورد بحث قرار داده، آیه اقتصادی نامیده می‌شود. لازم به ذکر است فرضیه‌های پژوهش آزمون شده است و مراحل و فرایند کلی این روش به اختصار ذیل می‌باشد:

ابتدا، مسأله پژوهش (ریسک‌اعتباری مشتریان بانک‌ها) با استناد به منابع معتبر و ادبیات اقتصاد مالی تبیین گردید. در گام دوم، آیاتی که به دلالت مطابقی، تضمنی و التزامی نسبت به مسأله پژوهش به شکل عموم، اطلاق یا مورد خاص ظهور قابل اطمینانی دارند، شناسایی شد. در این مقاله تنها برای نمونه به سر دسته آیات هر بخش اکتفا گردید. در مرحله بعد، ادبیات تفسیری ذیل آیات همراه با ادبیات حدیثی که پس از صحت سند و صدور آنها، دلالتی آشکار (حتی دلالت التزامی و ظهور بین ملازمات) بر موضوع پژوهش داشتند، مورد مطالعه و تدبر قرار گرفت. و در مرحله پایانی، از تلفیق موضوع‌شناسی اقتصاد مالی و تعمق در فقه اقتصادی قرآن و با عنایت به اصول و مدارک تفسیر موضوعی، برداشت‌هایی اطمینان بخش ارائه گردید. اما چرا برداشت‌های قرآنی باید بستر یافته‌های علوم‌انسانی و تجربی را با تسلط کامل علمی و موضوع‌شناسی مربوط در نظر گیرد؟ زیرا تنها نمی‌توان به اصالة الاطلاق یا اصالة العموم ادلّه نقلی تمسک کرد، بلکه باید از مخصص لبی[٦] فحص شود تا تعارضی بین مفاد نقلی با ادلّه قطعی عقلی حاصل نشود. بعد از ملاحظه همه این امور به جمع‌بندی مباحث پرداخته شود و نظر کارشناسانه بیان شود. مهم آن است که آنچه را می‌فهمیم در صورتی که روشمند باشد اعم از عقل تجربی یا عقل ریاضی یا عقل فلسفی و کلامی، حجت بین خود و خدا بدانیم (جوادی‌آملی، ۱۳۸٦، ص۱۱٤). به نظر می‌رسد برای تولید دانش اقتصاد قرآن بنیان و با رویکرد گسترش

Archive of SID

www.SID.ir

قلمرو قرآن در علوم‌انسانی از جمله اقتصاد مالی، ارائه و تبیین برداشت‌های اقتصادی از آیات قرآن کریم در عرصه اقتصاد بطور روشمند یک ضرورت علمی و پژوهشی است.

٦. مبانی نظری - قرآنی پژوهش

این بخش به چرایی عدم‌ریسک‌اعتباری از منظر قران می‌پردازد و بر بنیاد روش تفسیر موضوعی و به مدد موضوع‌شناسی اقتصاد مالی، دلایلی را تحلیل می‌کند که خاستگاه قرانی دارند. برخی از مهم‌ترین دلایل قابل برداشت از قرآن با عنوان اصل لازم و راجح قرآنی به شرح ذیل آورده شده است.

٦-١. اصل عدالت اجتماعی

در اسلام باید رفتار مسلمانان عادلانه باشد. قرآن‌کریم در آیه ۲۵ سوره حدید هدف از ارسال انبیا و تشریع دین را برقراری قسط و عدل معرفی و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکتابَ وَ الْمیزانَ لِیقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...».

در این آیات غرض الهی از فرستادن رسولان و نازل کردن کتاب و میزان همراه ایشان این ذکر شده که انبیا مردم را به عدالت عادت دهند، تا در مجتمعی عادل زندگی کنند و همچنین می‌فرماید: «وَ الْمِیزانَ لِیقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، که معنای جمله این است که ما ترازو را نازل کردیم تا مردم را به عدالت در معاملات خود عادت دهیم، و در نتیجه دیگر خسارت و ضرری نبینند چون قوام زندگی بشر به اجتماع است و قوام اجتماع هم به معاملاتی است که در بین آنان دائر است (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۱۹، صص ۳۰۱-۳۰۲؛ زحیلی، ۱٤۲۲ق، ج۳، ص۲٦۰). مفسری دیگر از این جمله به طور خاص تعبیر به رعایت عدالت در معاملات کرده (قرطبی، ۱۳٦٤، ج۱۸، ص۲٦۱؛ کاشانی، ۱٤۲۳ق، ج٦، ص٦۰۷). نکته جالب این است که این جمله از «خودجوشی مردم» سخن می‌گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می‌گوید هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۲۳، ص۳۷۳). در این رابطه روایات متعددی نیز از جانب معصومین علیهم‌السلام مطرح شده و از تأخیر در ادای دین به عنوان ظلم و عمل نکوهیده تعبیر شده است. به عنوان نمونه حضرت رسول(ص) می‌فرمایند: «به تأخیر انداختن پرداخت بدهی از طرف بدهکاری که

Archive of SID

www.SID.ir

توان مالی دارد، ظلم است» (عاملی، ١٤١٦ق، ج۱۳، ص۹۰).

با توجه به اینکه برپایی عدالت به عنوان هدف از ارسال انبیا و روح ادیان معیّن شده است و با توجه به تأکید ویژه‌ای که بر رعایت عدالت در معاملات اقتصادی در این آیه شده است، بر همه مسلمانان لازم است این اصل اساسی را رعایت نمایند. از آنجا که تأخیر در بازپرداخت تسهیلات یک رفتار غیرعادلانه مالی تلقی می‌شود و باعث تعدی به حقوق دیگران می‌گردد، براساس دیدگاه قرآنی نباید در بانکداری‌اسلامی ریسک‌اعتباری وجود داشته باشد و مسلمانان باید در سر موعد به تعهدات خود در معاملات عمل نماید. که به دلالت التزامی اعتبارسنجی دقیق مشتریان با هدف کاهش ریسک‌اعتباری را می‌رساند.

٦-۲. اصل خلیفه‌اللهی انسان

خداوند متعال در قرآن‌کریم از انسان به عنوان جانشین خود در زمین تعبیر نموده و می‌فرماید: «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَةِ إِنِّی جاعِلٌ فِی‌الأَرْضِ خَلِیفَةً... »[۷]؛ مقام خلافت همانطور که از نام آن پیداست، تمام نمی‌شود مگر به اینکه خلیفه نمایشگر مستخلف باشد و تمامی شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر او را حکایت کند و خدای سبحان که مستخلف این خلیفه است، در وجودش مسمای باسماء حسنی و متصف بصفات علیایی از صفات جمال و جلال است، و در ذاتش منزه از هر نقصی و در فعلش مقدس از هر شر و فسادی است (طباطبایی، ١٣٧٤، ج۱، ص۱۷۸). خدا می‌خواست موجودی بیافریند که شایسته، مقام خلافت الهی و نماینده «الله» در زمین گردد (کاشانی، ١٤٢٣ق، ج۱، ص١١٤). یعنی انسان جانشین خداوند در عالم خلقت است و به وکالت از خداوند اجازه تصرف در عالم را دارد. بر این اساس و بر مبنای لزوم تناسب بین جانشین و جانشین‌شونده لازم است که انسان‌ها صفاتی را که خداوند متعال دارد را در خود ایجاد کرده و از صفاتی که از نظر خداوند نکوهیده است دوری نماید، لذا تمامی تصرفات بشری در اموال نیز باید در چارچوبی که خداوند متعال معیّن کرده است. بنابراین چون خداوند متعال صفاتی مانند وفای به عهد و امانتداری و... را دارا بوده و می‌پسندد، پس انسان‌ها هم باید این صفات را در خود ایجاد کرده و تقویت نمایند و از صفات نکوهید

Archive of SID

www.SID.ir

مانند خیانت در امانت و... دوری کند. بر این اساس هم فردی که مالی را در اختیار می‌گیرد باید در ادای دین تأخیر نداشته باشد و هم کسی که مثلاً در بانک اسلامی وکیل مردم در تخصیص منابع یا اعطای تسهیلات است باید جانب امانت‌داری را رعایت کرده و از قبول ریسک بی‌دلیل پرهیز کند و جوانب احتیاطی را رعایت کرده و حتماً پس از احراز شرایط لازم در فرد متقاضی تسهیلات به او وام بدهد. بر این اساس لازمه عقلی این اصل در بانکداری‌اسلامی غربالگری مشتریان تسهیلات از جهاتی از جمله صلاحیت و اهلیّت به کارگیری ماهرانه و مسئولانه منابع مالی و بانکی و در نتیجه اعتبارسنجی دقیق آنان می‌باشد.

٦-٣. اصل لزوم وفای به عهد و عقد

یکی از اصول اساسی مورد تأکید اسلام و قرآن مسأله لزوم وفای به عهد و عقود است که خداوند متعال در آیات ۲۷ سوره بقره آیه ۸ سوره مومنون و آیه اول سوره مائده و آیه ٣٤ سوره اسرا آن را مورد اشاره قرار داده و مسلمانان را به پایبندی به عهد و پیمان و دوری از خیانت فرا می‌خواند. تفسیر شریف‌المیزان منظور از عقد در جمله «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» را شامل همه مصادیق عقد و هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود دانسته و می‌فرماید تأکید خداوند به گونه‌ای است که شدیدتر از آن نمی‌شود و کسانی که عهد و پیمان را می‌شکنند به شدیدترین بیان مذمت فرموده و به وجهی عنیف و لحنی خشن تهدید نموده است (طباطبایی، ١٣٧٤، ج٥، ص٢٥٩). تخلف از این عهد و پیمان‌ها باعث می‌شود که انسان جز گروه فاسقان گردد و به عذاب الهی دچار شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۱۵۵). همچنین عده‌ای از مفسرین در ذیل آیه «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلًا» می‌فرمایند مسئول در اینجا به معنای «مسئول عنه» است، یعنی از آن بازخواست می‌شوید (طباطبایی، ١٣٧٤، ج١٣، ص١٢٥). این تعبیر قرآنی دو جهت وجوب وفای به عهد را می‌رساند اول اینکه از فعل امر استفاده کرده است و دوم اینکه از این عهد و پیمان‌ها سؤال و بازخواست می‌گردد پس بر همگان واجب است به عهد و پیمان و مقتضای آن پایبند باشند (فاضل‌مقداد، ١٤١٩ق، ج٢، ص١١٧؛ مقدس‌اردبیلی، ١٣٠٥، ص٤٦٣). خداوند در چند چیز هیچ اختیاری برای انسان‌ها قرار نداده است که یکی از آنها لزوم وفای به عهد

Archive of SID

www.SID.ir

است که انسان باید در هر حال به عهد خود وفا کند (حویزی، ١٤١٥ق، ج٣، ص١٦٦). مفسری دیگر در توضیح دامنه لزوم وفای به عهد می‌نویسد لزوم وفای به عهد تابع جایز یا لازم بودن عقد یا عهد می‌باشد (فاضل‌مقداد، ١٤١٩ق، ج٢، ص٧٢)، در تفسیری دیگر نیز در رابطه با اهمیت مسأله رعایت عهد و پیمان آمده است که از اساسی‌ترین شرایط زندگی دست جمعی وفای به عهد است و بدون آن هیچ‌گونه همکاری اجتماعی ممکن نیست، و بشر بدون وفای به عهد زندگی اجتماعی و اثرات آن را عملاً از دست خواهد داد (مکارم‌شیرازی، ١٣٧١، ج٤، صص ٢٤٦-٢٤٧). به همین دلیل در منابع اسلامی و روایات نیز تأکید فوق‌العاده‌ای روی این مسأله شده و به عنوان نمونه از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که فرموده‌اند: «لا دِینَ لِمَن لا عَهد لَه» و در حدیثی از امام صادق(ع) می‌خوانیم: «سه چیز است که خداوند به هیچ‌کس اجازه مخالفت با آن را نداده است: ادای امانت در مورد هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار، وفای به عهد در باره هر کس خواه نیکوکار باشد یا بدکار و نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار» (مکارم‌شیرازی، ١٣٧١، ج٤، صص ٢٤٦-٢٤٧). مفهوم دیگری که در کنار عهد و پیمان مورد اشاره این آیات قرار گرفته است مفهوم لزوم امانت‌داری است که خود نوعی عهد و پیمان است ولی به طور خاص مورد تأکید قرار گرفته است. منظور از امانت همه اقسام امانت‌های دایر در بین مردم است و مؤمنین را به حفظ امانت و خیانت نکردن توصیه می‌کند و این همان روح ایمان است (طباطبایی، ١٣٧٤، ج١٥، ص١٢). دلیل بر عمومیت مفهوم امانت در اینجا علاوه بر گستردگی و اطلاق لفظ، روایات متعددی است که در تفسیر امانت وارد شده است. در آیه مورد بحث تعبیر به «رعایت امانت» شده که هم شامل ادا می‌شود همچنین محافظت و مراقبت کامل از آن. بنابراین اگر کوتاهی در اصلاح چیزی که مورد امانت است باعث ضرر یا خطری بشود شخص امین موظف است که در اصلاح آن نیز بکوشد (و به این ترتیب سه کار لازم است: اداء، حفظ و اصلاح). به هر حال مسلم است که پایبند بودن به تعهدات و حفظ و ادای امانات از مهم‌ترین پایه‌های نظام اجتماعی بشر است و بدون آنها هرج‌ومرج در سرتاسر جامعه به وجود خواهد آمد، به همین دلیل حتی افراد و ملت‌هایی که اعتقاد الهی و مذهبی نیز ندارند برای مصون ماندن از این هرج‌ومرج اجتماعی ناشی‌از خیانت در عهد و امانت، خود را موظف به انجام این دو برنامه- لا اقل

Archive of SID

www.SID.ir

در مسائل کلی اجتماعی- می‌دانند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱٤، صص ۱۹۸-۲۰۰) توسعه معنای وفای به عهد و امانت‌داری و بیان جزئیات، شرایط و مفهوم آن در ادبیات تفسیری و روایی به ما کمک می‌کند تا موضوع مورد بحث خود یعنی مدیریت ریسک‌اعتباری در بانکداری اسلامی را در دوجهت مشتری و بانک بیشتر واکاوی نماییم.

۱. به طور کلی مشتریان بانک از جهت میزان تعهد و پایبندی به مفاد قرارداد و عمل به تعهدات خود در مقابل بانک به سه دسته متعهد کامل، متعهد متوسط و... متعهد تقسیم می‌شوند. براساس اصل لزوم وفای به عهد هم گیرندگان تسهیلات باید نسبت به تعهدات و قرارداد خود با بانک پایبند بوده و تخلف ننمایند. توجه و تأکید بر اصل لزوم وفای به عهد و فرهنگ‌سازی در این حوزه باعث کاهش ریسک‌اعتباری می‌گردد.
۲. بانک هم به عنوان وکیل سپرده‌گذاران باید به وظایف خود به طور کامل عمل نموده و با سنجش شرایط و معیارهای لازم جهت تخصیص منابع از بازگشت به موقع تسهیلات اطمینان حاصل نماید. در صورت تحقق کامل این مهم، ریسک‌اعتباری بانک‌ها کاهش یافته و در نتیجه هزینه مبادلات بانکی از رهگذر کاهش ریسک‌اعتباری و هزینه‌های ناشی‌از آن کاهش یافته و با کنترل بهتر ریسک‌اعتباری عدم‌تقارن اطلاعاتی به تقارن نزدیک می‌شود و کارایی و اثر بخشی بانک ارتقا پیدا می‌کند.

٦-٤. اصل لزوم حاکمیت اخلاق اسلامی بر بازار مالی مسلمانان

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن‌کریم ضمن دعوت مسلمین به کسب‌وکار و طلب روزی حلال آنها را به رعایت اخلاق اسلامی و تقوا و توجه به آخرت دعوت کرده است. به عنوان نمونه این مطالب در آیات ۸۷ سوره مائده، آیه ۹٦ سوره اعراف، آیات ۲٦-۲۹ سوره انفال و آیه ۳۵ سوره اسراء بیان گردیده و به خوبی در بازارهای تمدن اسلامی نیز نمود خود را نشان داده است. زیرا از نظر اسلامی، اقتصاد ستون اصلی خیمه جامعه است. اگر به هر دلیلی اقتصاد جامعه آسیب ببیند و با بحران مواجه شود بخش‌های دیگر نیز آسیب می‌بیند (رجایی، ۱۳۸۹، ص۹۳). به طور کلی اسلام به امور اقتصادی، نگاه اخلاقی

Archive of SID

www.SID.ir

دارد؛ آنگاه که وقتی می‌خواهد برای افراد وظایف اقتصادی قرار دهد، این وظیفه را با یک ارزش اخلاقی و عبادی در می‌آمیزد (خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲، ص۸٤).

قرآن‌کریم مسلمانان را به طلب روزی حلال و بهره‌مندی از مواهب زندگی ترغیب نموده و مفسرین در این باره می‌فرمایند: «کُلُوا مِمَّا رَزَقَکمُ اللَّهُ ...»، چون جای این بود که کسی خیال کند بهرمندی از نعمت‌های خدا زیاده از حد ضرورت جایز نباشد. این آیه در چنین مقامی این توهم را برطرف نموده و جلوی تحریم‌های خودساخته را می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج٦، ص۱٦۲). مفسری دیگر در این باره می‌فرماید منظور از امر، در اینجا اباحه است. یعنی از روزی‌های مباح و لذیذ خداوند، استفاده کنید (طبرسی، ۱۳٦۰، ج۷، ص۱۵۸؛ کاشانی، ۱٤۲۳ق، ج۲، ص۳۱۵).

کسب روزی و از جمله معاملات بشری به قیودی مانند حلال بودن و رعایت تقوا و انصاف مقید شده‌اند که در این باره مفسرین فرمایشاتی دارند. جمله «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا ...» دلالت بر این دارد که افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است. نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۵، ص۳٤۳؛ بروجردی، ۱۳٦٦، ج۲، ص٤۳٦).

از نظر قرآن رعایت تقوا و مسائل اخلاقی سر منشأ بارش خیرات فراوان بر انسان‌ها است و هر آنچه مخالف تقوا و اخلاق است مانند خیانت در امانت و... مذموم شمرده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۹، ص٦۹؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۷، ص۱۳۷؛ حویزی، ۱٤۱۵ق، ج۲، ص۱٤۵)

در این باب روایات متعددی نیز مطرح گردیده است. در روایتی آمده است که پیامبر(ص) گوشت مرغ و فالوده می‌خورد و از حلوا و عسل لذت می‌برد (طبرسی، ۱۳٦۰، ج۷، ص۱۵۹). همچنین ایشان در رابطه با اهمیت بازار و تاجر می‌فرمایند: «واردکننده جنس به بازار اسلامی مانند مجاهد در راه خدا و محتکر در بازار اسلامی همانند ملحد و کافر نسبت به کتاب خدا است» (پاینده، ۱۳٦۳، حدیث ۱۳۱۷، ص٤۳۲) «بازرگان راستگو روز قیامت در سایه حمایت خداست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸٦، ج۱، ص۵۲۸).

Archive of SID

www.SID.ir

با بررسی آیات قرآن کریم و همچنین روایات متعددی در باب لزوم رعایت اخلاق و تقوا در می‌یابیم که خداوند متعال ضمن دعوت مسلمین به کسب‌وکار و طلب روزی حلال، آنها را به رعایت اخلاق اسلامی و تقوا و توجه به آخرت دعوت کرده و آنها را به عنوان شرط نزول برکات و رشد و ترقی وضع رفاه جامعه مطرح می‌کند، لذا مسلمانان باید در تمامی مناسبات خود جانب اخلاق و تقوا را رعایت نمایند. در موضوع مورد بحث ما در این تحقیق هم مشتریان بانکی باید جانب اخلاق را رعایت کرده و خلف وعده ننموده و به تعهدات خود در موعد مقرر عمل نمایند و به دلالت اشکار مستقیم و غیرمستقیم و تلازم عقلی آیات مذکور، بانک باید به وظایف نمایندگی خود عمل کرده و تا زمانی که برای او نسبت به صلاحیت فرد اطمینان حاصل نشود اقدام به اعطای تسهیلات ننماید.

٦-۵. اصل قوام جامعه بودن اموال

از دیدگاه قرآن‌کریم مال مایه قوام جامعه بوده و لذا جایگاه مهمی در جامعه داشته و مجموع اموال موجود در زمین متعلق به تمامی بشریت بوده و نمی‌توان آن را در اختیار هر کسی قرار داد که منافع جامعه را در خطر قرار دهد.

خداوند متعال در آیه ۵ سوره نساء این مفاهیم را مورد اشاره قرار داده و مسلمانان را به رعایت این اصل دعوت می‌کند. از نظر قرآن اموال موجود در زمین متعلق به همه بشریت و مفسرین در این باره می‌فرمایند اسلام همه افراد جامعه را یکی می‌داند، به طوری که مصلحت و منفعت یک فرد نمی‌تواند از منافع جمع جدا باشد، همچنین زیان یک فرد عین زیان یک جامعه است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۳، ص۲۷۰). این مسأله که مالک حقیقی عالم خدای تعالی است حقیقتی قرآنی است، که بسیاری از احکام و قوانین مهم اسلامی مبتنی بر آن می‌باشد، خدای تعالی اموال را وسیله معاش و مایه قوام و بقای جامعه انسانی قرار داده و برای شخصی معیّن وقف نکرده است، تا تغییر و تبدیل نپذیرد و نیز به کسی نبخشیده، تا نتواند با قوانین دینی‌اش دایره تصرفات آن شخص را محدود کند، لیکن به خاطر مصالحی که ایجاب می‌کرده، اجازه داده تا این نعمتی را که به مجموع بشر ارزانی داشته، طبق مناسباتی چون وراثت، حیازت، تجارت و... (که خودش تشریع

Archive of SID

www.SID.ir

کرده) به اشخاصی اختصاص پیدا کند، اما به شرط اینکه تصرف‌کننده دارای عقل و بلوغ و شرایطی دیگر از این قبیل بوده باشد. به طور کلی در جایی که مالکیت فردی و خصوصی به بعضی از آن مال، مزاحم با حق جمع باشد و حقوق جمع را ضایع سازد، بدون تردید رعایت مصلحت جمع مقدم بر رعایت مصلحت فرد خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج٤، صص ۲۷۳-۲۷۱)

قرآن‌کریم در تعبیر جالبی درباره اموال و ثروت‌ها می‌فرماید این سرمایه‌های شما که قوام زندگانی و اجتماع شما به آن است و بدون آن نمی‌توانید کمر راست کنید را به دست سفیهان و اسراف‌کاران نسپارید. از این تعبیر به خوبی اهمیتی که اسلام برای مسائل مالی و اقتصادی قائل است روشن می‌شود، اسلام می‌گوید ملتی که فقیر باشد هرگز نمی‌تواند کمر راست کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۳، ص۲۷۱). مفسری دیگری در این باره می‌نویسد قوام هر چیز آن چیزی است که به واسطه آن استوار و پابرجاست (فاضل‌مقداد، ۱٤۱۹ق، ج۲، ص۱۱۰).

با بررسی و تدبر در این آیه و تفاسیر ذکر شده، در می‌یابیم که براساس آیه شریفه و دیدگاه قرآنی جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد که این شخصیت واحده مالک تمامی اموال روی زمین است و خدای تعالی زندگی این شخصیت واحده را به وسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است، پس بر این شخصیت لازم است که این اموال را به نحو احسن اداره نموده و آن را در معرض رشد و ترقی قرار دهد تا برای همه و تک‌تک افراد جامعه وافی باشد، در ارتباط با موضوع مورد بحث ما در بانکداری‌اسلامی استفاده‌ای که از این اصل می‌کنیم این است که مال و از جمله منابع بانکی مایه رشد و ترقی اقتصادی جامعه بوده و باید با به جریان انداختن صحیح آن در کسب و تجارت و... سعی کنیم تا آنها را بیشتر کرده و اموالی را که متعلق به کل جامعه است رشد داده و کار جامعه و از جمله صاحب مال به تدریج به مسکنت، تهی‌دستی و بدبختی نیانجامد. پس تخصیص منابع با این دید که این اموال متعلق به همه جامعه است اهمیتی دو چندانی یافته و بحث مدیریت ریسک‌اعتباری آن نیز با اهمیت‌تر جلوه می‌کند، لذا بانک در پرداخت تسهیلات دقت بیشتری به خرج می‌دهد چرا که تأخیر در بازپرداخت یا نکول انواع دیون (حقیقی و مالی) باعث تضعیف اموال و قوام جامعه اسلامی می‌شود. بنابراین

Archive of SID

www.SID.ir

آیات مذکور به لزوم بیّن دلالت دارند که برای صیانت از منابع مالی جامعه اسلامی اموری لازم است که اعتبارسنجی تقاضاکنندگان وجوه مالی متعلق به جامعه از لوازم قریب آنها می‌باشد.

٦-٦. اصل لزوم استفاده صحیح از اموال و ندادن مال به سفیه

از دیدگاه قرآن‌کریم تصرف در اموال و در اختیار گرفتن مال تابع شرایطی است و هر کسی و به هر نحوی حق تصرف در مال حتی مال خود را ندارد. خداوند متعال در آیه ٣٤ سوره اسرا این مفاهیم را مورد اشاره قرار داده و مسلمانان را به رعایت این اصل دعوت می‌کند.

چون اموال موجود در دنیا، مال همه است و بر تک‌تک افراد بشر واجب است این مال را حفظ نموده و از هدر رفتن آن جلوگیری کنند، پس نباید به افراد سفیه اجازه دهند که مال را اسراف و ریخت و پاش نمایند (طباطبایی، ١٣٧٤، ج٤، صص ٢٧٣-٢٧١). علامه طباطبایی در تفسیر شریف‌المیزان در رابطه با معنای این کلمه می‌فرمایند کلمه «سفه» به معنای سبکی عقل است و مثلاً به کسی که در اداره امور دنیایی یا آخرتش قاصر و عاجز است سفیه می‌گویند. آنچه که از ظاهر آیه شریفه فهمیده می‌شود این است که می‌خواهد بفرماید: بیش از احتیاج آنان، مال در اختیارشان نگذارید، (طباطبایی، ١٣٧٤، ج٤، ص٢٧١). در تفسیر دیگری آمده است که منظور از سفاهت در آیه فوق عدم رشد کافی در خصوص امور مالی است به طوری که شخص نتواند سرپرستی اموال خود را به عهده گیرد، و در مبادلات مالی منافع خود را تأمین نماید، شاهد بر این سخن آیه دوم است که می‌گوید: «اگر آنها را رشید یافتید، اموالشان را به دست آنها بسپارید». بنابراین آیه فوق با اینکه درباره یتیمان بحث می‌کند، یک حکم کلی و عمومی برای همه موارد در بر دارد، که انسان نباید در هیچ حال و در هیچ مورد، اموالی که تحت سرپرستی او است و یا زندگی او به نوعی به آن بستگی دارد به دست افراد کم عقل و غیررشید بسپارد و در این موضوع فرقی در میان اموال عمومی (اموال حکومت اسلامی) نیست (مقدس‌اردبیلی، ١٣٠٥، ص٤٨٨؛ خادم‌علیزاده، ١٣٩٢، ص١٩٥). عده‌ای دیگر از مفسرین به بیان مصادیق سفیه پرداخته‌اند، به عنوان نمونه در تفسیر نورالثقلین روایت متعددی در این باب مطرح

Archive of SID

www.SID.ir

شده است که در این روایات مصادیقی مانند شرب خمر، نداشتن رشد فکری و ذهنی، کودک بودن، دیوانگی، محجوری و امثال این موارد به عنوان ملاک سفاهت بیان شده است (حویزی، ۱٤۱۵ق، ج۱، ص٤٤۳؛ فاضل‌مقداد، ۱٤۱۹ق، ج۲، ص۱۱۰). یونس بن یعقوب می‌گوید: از امام صادق(ع) تفسیر آیه «وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ» را پرسیدم که فرمودند: «سفیه کسی است که مورد اعتماد نباشد» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۳، ص۲٦۸).

قرآن‌کریم در بیان اینکه مال سفیهان و یتیمان صغیر را در اختیارشان قرار ندهید و خود سرپرستی امور آنها را بر عهده بگیرید از تعبیر تقرب احسن استفاده نموده و می‌فرماید: «إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». مفسرین در تبیین معنای این جمله می‌فرمایند این تصرف به گونه‌ای است که تصرف در مال یتیم به نحوی باشد که از تصرف نکردن بهتر باشد به این معنا که تصرف در آن به مصلحت یتیم و باعث زیاد شدن مال باشد که در این صورت عیب ندارد و حرام نیست (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج۱۳، ص۱۲۵). البته این وضع تا زمانی ادامه دارد که به حد رشد فکری و اقتصادی برسد(حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ) (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱۲، ص۱۱۰).

با بررسی و تدبر در این آیه و با بررسی تفاسیر ذکر شده در این باب در می‌یابیم که براساس آیه شریفه، اولیا و سرپرستان جوامع بشری باید امور افراد سفیه را به دست بگیرند و اموال آنان را به دست خودشان ندهند، بلکه اموال آنان را زیر نظر گرفته و به اصلاح آن بپردازند و با در جریان انداختن آن در کسب، تجارت و... آن را بیشتر کرده تا در نتیجه اصل مال که متعلق به کل جامعه است از بین نرود و کار جامعه و از جمله صاحب مال به تدریج به مسکنت و تهی‌دستی و بدبختی نیانجامد. با بررسی و تدبر در این آیه و با بررسی تفاسیر ذکر شده در مورد این آیه نتیجه می‌گیریم که سفیه به طور عام به معنای نداشتن صلاحیت در استفاده از مال است که این عدم صلاحیت می‌تواند منشاهای مختلفی مانند دیوانگی، صغیر بودن، مستی و... داشته باشد و با توسعه مفهوم عدم صلاحیت، می‌توان آن را به نداشتن شرایط تخصصی و مهارتی و اعتباری در اختیار گرفتن مال نیز بسط داد. بنابراین کسی که می‌خواهد مالی را جهت کاری در اختیار گیرد علاوه بر موارد متعارف عدم سفاهت، باید از تخصص لازم جهت در اختیار گرفتن مال، مهارت و تجربه لازم برخوردار بوده و همچنین فاقد سوءپیشینه و بدنامی ناشی از

Archive of SID

www.SID.ir

تخلفات مالی و... باشد. در بحث ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی نیز حاصل بررسی اعتباری و شرایط فرد متقاضی تسهیلات باید به گونه‌ای باشد که عرف عام یا بازار مالی از برگشت به موقع مال اطمینان داشته باشد. همان‌گونه که قرآن از دادن مال خود سفیهان به خودشان منع می‌کند به طریق اولی نباید اموال بانکی که متعلق به سپرده‌گذاران است را به افراد سفیه داد و بانک به عنوان وکیل مردم باید این اصل قرآنی را که اطمینان از عدم سفاهت (به معنی عام) باشد در عملیات خود رعایت کند. یعنی آیات هم‌سیاق در این زمینه دلالتی تام بر نفی ریسک‌اعتباری در انواع تصرفات مالی دارند و به تلازم اشکار بر عرف مالی بلکه عرف عام مسلمین، اعتبارسنجی تقاضاکنندگان منابع مالی را با رعایت انصاف و امانت‌داری و بدون هر نوع تبعیض ضروری می‌دانند.

٦-۷. اصل لزوم لا ضرر در معاملات و روابط مالی

براساس دیدگاه اسلامی و قرآنی معاملات و روابط اقتصادی افراد باید به گونه‌ای تنظیم گردد که ضرر و تباهی به بار نیاید. قرآن‌کریم در چند آیه به این مطلب اشاره فرموده است، به عنوان نمونه در آیه ۲۹ سوره نساء خداوند متعال این مفاهیم را مورد اشاره قرار داده و مؤمنین را به این اصل فرا می‌خواند.

اسلام تصرف در مال دیگری که نماینده معاملات اقتصادی را تنها در چارچوب صحیح و معقول تأیید می‌کند و از تصرف به ناحق نهی می‌کند که از آن تعبیر به «لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَينَكمْ بِالْباطِلِ» دارد. مفسرین در این باره فرموده‌اند:کلمه اکل به معنای خوردن است و در اینجا منظور تصرف همراه با تسلط است و در واقع تصرفی را خوردن می‌خوانند که توأم با نوعی تسلط باشد و با تسلط خود تسلط دیگران را از آن مال قطع سازد. همچنین کلمه باطل عبارت است از آن عملی که غرض صحیح و عقلایی در آن نباشد. در نتیجه مجموع جمله معنی نهی از معاملاتی است که نه تنها جامعه را به سعادت و رستگاریش نمی‌رساند، بلکه ضرر هم می‌رساند و جامعه را به فساد و هلاکت می‌کشاند (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج٤، صص ۵۰۰-۵۰۱). مفسری دیگر در این باره می‌گوید: رمز اینکه نهی از قتل «لا تَقْتُلُوا»، به دنبال نهی از حرام‌خوری «لا تَأْكُلُوا»، آمده است، شاید آن باشد که سیستم اقتصادی ناسالم، زمینه قیام محرومان علیه زراندوزان و بروز درگیری‌ها و

Archive of SID

www.SID.ir

پیدایش قتل و هلاکت جامعه است. امام صادق(ع) به هنگام تلاوت این آیه فرمود: کسی که قرض بگیرد و بداند که نمی‌تواند بازپرداخت کند، مال باطل خورده است (کلینی، ۱٤۰۷ق، ج۵، ص۹۵). یعنی اگر اکل مال به باطل در جامعه‌ای رواج یابد زمینه پیدایش بحران‌های اجتماعی در جامعه ایجاد می‌گردد. تفاسیر دیگر نیز به بیان مصداق‌های اکل مال به باطل مانند ربا و قمار و ظلم و بی‌عدالتی و غصب و خیانت و کم ارزش‌گذاری در خرید و خوردن مال یتیم پرداخته‌اند (مقدس‌اردبیلی، ۱۳۰۵، ص٤۲۸؛ حویزی، ۱٤۱۵ق، ج۱، ص٤۷۲؛ فاضل‌مقداد، ۱٤۱۹ق، ج۲، ص۳٤)

قرآن‌کریم در مقابل نهی از اکل مال به باطل شیوه صحیح معاملات را نیز به مسلمین معرفی می‌کند و از آن به «تجارَةً عَنْ تَراضٍ» تعبیر می‌کند. مفسرین در این باره فرموده‌اند: کلمه تجارت به طوری که راغب‌اصفهانی گفته، به معنای تصرف در سرمایه به منظور تحصیل سود است. در واقع قرآن می‌فرماید یک نوع معامله وجود دارد که نه تنها آن مفاسد را ندارد، بلکه توانایی آن را دارد که پراکندگی‌های جامعه را جمع‌وجور کند و جامعه را از نظر اقتصاد پای بر جا ساخته و استقامتش را حفظ نماید و آن تجارتی است که ناشی‌از رضایت طرفین و هم از نظر شرع مقدس صحیح باشد (طباطبایی، ۱۳۷٤، ج٤، ص۵۰۲). سایر مفسرین نیز به بیان اوصاف و شرایط تجارت پرداخته‌اند. منظور از تجارت معاملاتی که است که به طور مطلق با نوعی معاوضه همراه است مانند خرید فروش یعنی هم مورد تأیید شارع باشد و هم با نوعی معاوضه همراه باشد و هم مورد رضایت قلبی طرفین باشد (مقدس‌اردبیلی، ۱۳۰۵، ص٤۲۸). کلیه دادوستدها باید با رضایت طرفین باشد نه با اجبار و اکراه (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۲، ص۲۷٦).

منظور از تجارت تملک به واسطع، عقود معاوضی مال است و علت اینکه اباحه تصرف به تجارت اختصاص داده شده است آن حدیث نبوی است که می‌فرماید رزق و روزی ۱۰ بخش دارد که نه جز آن تجارت است (حرعاملی، ۱٤۱٦ق، ج۱۳، صص ٤-۵). البته این تجارت باید دارای شروطی باشد اولاً با رضایت طرفین همراه باشد، ثانیاً با اکراه و اجبار همراه نباشد، ثالثاً رضایت فرد از نظر شرع قابل قبول باشد؛ لذا رضایت طفل صغیر، دیوانه، مست، سفیه، مفلس و امثالهم قابل قبول نیست (فاضل‌مقداد، ۱٤۱۹ق، ج۲، صص ۳٤-۳۵). بنابراین کلیه معاملات جامعه اسلامی و از جمله بانک‌های اسلامی باید به

Archive of SID

www.SID.ir

گونه‌ای تنظیم گردد که تا حد امکان از ضرروزیان مصون باشند و اکل‌ومال به باطل صورت نگیرد. دلالت کاربردی این اصل قرآنی در بحث مدیریت ریسک‌اعتباری در این است که هیچ یک از صاحبان وجوه و سپرده‌گذاران بانکی راضی نیستند که منابع آنها به گونه‌ای تخصیص داده شود که در معرض ریسک‌اعتباری و تباهی قرار گیرند و بانک اسلامی وظیفه دارد تا از بازگشت وجوه اطمینان کسب نموده و از در اختیار گذاشتن تسهیلات به افرادی که صلاحیت لازم را ندارد و به احتمال زیاد منابع را حیف‌ومیل خواهند نمود و توانایی استفاده بهینه از آنها را ندارند خودداری کند در غیر این صورت تصرف بانک در وجوه مردم مصداق اکل مال به باطل و مخالف رضایت صاحبان وجوه خواهد بود، در نتیجه بانک و هر مؤسسه مالی و اعتباری که اجازه و یا وکالت تصرف در منابع مالی را دارد ضمن پرهیز از ریسک‌اعتباری باید اقدام به اعتبارسنجی تقاضاکنندگان وجوه نماید. همچنین لازم است جهت رعایت و ارتقای کارایی و اطمینان از وجود بازدارندگی کافی نسبت به عوامل فوق قوانین و مقررات اجتماعی مورد نیاز وضع گردد و در واقع متناسب با این اصول دینی مقررات لازم نیز تعریف گردند تا کارایی لازم برای دوری از ریسک‌اعتباری وجود داشته باشد. یعنی به عنوان مثال اگر از نظر متون دینی تأخیر عمدی در پرداخت بدهی به بانک ظلم است باید قوانین مورد نیاز در این حوزه نیز وضع گردد تا بازدارندگی لازم را دارا بوده و اگر فردی مرتکب این ظلم شد با او برخورد قضایی گردد تا عدم‌ظلم در این عرصه نهادینه شود. البته پرداختن تفصیلی به این موضوع مجال دیگری را می‌طلبد.

۷. آثار ریسک‌اعتباری حداقلی

کاهش ریسک‌اعتباری آثار و فواید فراوانی برای کشور و از جمله بانک‌ها دارد که می‌توان موارد ذیل را در این رابطه بیان نمود:

۱. افزایش اعتماد و پویایی: کاهش ریسک‌اعتباری در جامعه باعث ارتقای سطح اعتماد و سرمایه اجتماعی در جامعه و در نتیجه رونق فعالیت‌های اقتصادی و کسب‌وکارها می‌گردد. در نتیجه مالی که مایه قوام جامعه است بهتر به گردش درآمده و رشد، شکوفایی و رفاه را برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

Archive of SID

www.SID.ir

۲. کاهش هزینه مبادله: کاهش ریسک‌اعتباری باعث کاهش نرخ سوخت شدن تسهیلات و منابع بانکی و کاهش نیاز به پیگیری‌ها و هزینه‌های حقوقی و قضایی جهت وصول مطالبات و... می‌گردد. همچنین باعث می‌شود با شناسایی دقیق‌تر مشتریان از تخصیص منابع به افراد بدون صلاحیت که به احتمال زیاد منجر به بلوکه شدن منابع بانکی می‌گردد و هزینه‌های زیادی را به بانک تحمیل می‌کند جلوگیری شود و این مسأله باعث استفاده بهینه‌تر از ظرفیت‌های اقتصادی کشور و توسعه اقتصادی می‌شود.

۳. رونق در بازارهای مالی و سرعت در چرخش مالی: افزایش اعتماد در بازار و رونق معاملات اعتباری به سبب کاهش ریسک‌اعتباری باعث می‌شود انگیزه افراد جهت توسعه کسب‌وکار خود از طریق سازوکارهای اعتباری افزایش یابد که این مسأله باعث رونق بازارهای مالی و افزایش سرعت چرخش چرخ اقتصاد کشور می‌گردد و با گسترش مالی و رشد اقتصادی بیشتر همگان از این مسأله منتفع می‌شوند.

٤. تسهیل در مبادلات و تراکنش‌های مالی: افزایش ریسک‌اعتباری باعث دشواری معاملات و گنجاندن شروط و ضوابط سخت نظیر تهیه ضامن، وثیقه و... برای انجام معاملات اقتصادی می‌گردد. برعکس کاهش ریسک‌اعتباری باعث تسهیل مبادلات و ساده‌گیری در انجام معاملات اقتصادی می‌شود که می‌تواند به رشد هر چه بیشتر مبادلات و سطح اقتصادی جامعه کمک کند.

۵. تخصیص بهینه منابع مالی در جامعه: ارتقای معیارهای سنجش ریسک‌اعتباری و توجه بیش‌ازپیش به این مهم باعث تخصیص بهینه منابع بانکی شده و با دادن منابع مالی به کسانی که صلاحیت استفاده از آنها را دارند زمینه رشد و رفاه اقتصادی کل جامعه فراهم می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ریسک‌اعتباری به عنوان یکی از مهم‌ترین ریسک‌های صنعت بانکداری بوده و اعتبارسنجی نامناسب مشتریان یکی از علل اصلی بروز این ریسک است. در این پژوهش قرآنی سعی شد اهمیت و اصول اعتبارسنجی مشتریان جهت مدیریت ریسک‌اعتباری در

Archive of SID

www.SID.ir

بانکداری اسلامی از منظر قرآنی استخراج گردد.

پرسش‌های پژوهش این بود که آیات قرآن در نفی ریسک‌اعتباری بر چه اصولی تأکید دارند؟ و بر وجود چه ویژگی‌هایی در شخص وام‌گیرنده (حقیقی یا حقوقی) جهت دریافت تسهیلات دلالت‌دارند؟ و چگونه اعتبارسنجی مشتریان تسهیلات را لازم می‌دانند؟ و برای پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها، فرضیه‌های زیر ارائه گردید.

اصولی مانند لزوم عدالت اجتماعی، وفای به عهد، نظریه جانشینی انسان و اصل قوام جامعه بودن اموال در قرآن بر نفی ریسک‌اعتباری دلالت دارند[۸] و با التزام اعتبارسنجی مشتریان تسهیلات را لازم می‌دانند. همچنین وام‌گیرنده از منظر قرآن باید بالغ، عاقل، امین، صالح و دارای صلاحیت علمی و مهارتی لازم باشد و بانک برای اعطای تسهیلات باید این مؤلفه‌ها را لحاظ کند. جهت بررسی این فرضی‌ها، سعی شد تا با مفهوم‌شناسی موضوع و با رویکرد تفسیر موضوعی و با استفاده از تفاسیر گوناگون (به قدر نیاز)، نظرات مفسرین ذیل آیاتی از قرآن کریم که به تبیین جایگاه و اهمیت مال و شرایط تصرف در مال و شرایط گیرنده مال گردآوری شده و سپس با تحلیل‌های کارشناسی اقتصادی و مالی موضوع مورد نظر تحقیق از منظر قرآنی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از تأیید فرضیه‌های پژوهش می‌باشد. در نهایت نتایج زیر به دست آمد:

۱. از نظر قرآن، برپایی عدالت به عنوان هدف از ارسال انبیا معیّن شده و با توجه به تأکید ویژه‌ای که بر رعایت عدالت در معاملات اقتصادی گشته بر همه مسلمانان لازم است این اصل اساسی را رعایت نمایند. از آنجایی که تأخیر در بازپرداخت تسهیلات یک رفتار غیرعادلانه مالی تلقی می‌شود و باعث تعدی به حقوق دیگران می‌گردد. براساس دیدگاه قرآنی نباید در بانکداری‌اسلامی ریسک‌اعتباری وجود داشته باشد و مسلمانان باید در سر موعد به تعهدات خود در معاملات عمل نماید. که به دلالت التزامی اعتبارسنجی دقیق مشتریان با هدف کاهش ریسک‌اعتباری را می‌رساند.

۲. به فرموده قرآن، انسان جانشین خداوند در زمین بوده و براساس لزوم تناسب بین جانشین و جانشین‌شونده لازم است که انسان‌ها صفاتی را که خداوند متعال دارد را در خود ایجاد کرده (مانند وفای به عهد و غیره) و از صفاتی که از نظر خداوند نکوهیده است دوری نماید (مانند ظلم، خیانت در امانت و...). لذا بر این اساس هم

Archive of SID

www.SID.ir

فردی که مالی را در اختیار می‌گیرد باید در ادای دین تأخیر نداشته باشد و هم کسی که مثلاً در بانک اسلامی وکیل مردم در تخصیص منابع یا اعطای تسهیلات است باید جانب امانت‌داری را رعایت کرده و حتماً پس از احراز شرایط لازم در فرد متقاضی تسهیلات به او وام بدهد. بر این اساس در می‌یابیم که در بانکداری‌اسلامی ریسک‌اعتباری نبوده و یا نباید باشد و لازمه عقلی آن غربالگری مشتریان تسهیلات از جهاتی از جمله صلاحیت و اهلیّت به کارگیری ماهرانه و مسئولانه منابع مالی و بانکی و در نتیجه اعتبارسنجی دقیق آنان می‌باشد.

۳. توسعه معنای وفای به عهد و امانت‌داری در بحث مدیریت ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی گویای این است که گیرندگان تسهیلات باید نسبت به تعهدات و قرارداد خود با بانک پایبند بوده و توجه و تأکید بر اصل لزوم وفای به عهد و فرهنگ‌سازی در این حوزه باعث کاهش ریسک‌اعتباری می‌گردد. بانک هم به عنوان وکیل سپرده‌گذاران باید به وظایف خود به طور کامل عمل نموده و با سنجش شرایط و معیارهای لازم جهت تخصیص منابع از بازگشت به موقع تسهیلات اطمینان حاصل نماید.

٤. خداوند متعال به رعایت اخلاق اسلامی و تقوا و توجه به آخرت دعوت کرده و آنها را شرط نزول برکات و رشد جامعه مطرح می‌کند؛ لذا مسلمانان باید در تمامی مناسبات خود جانب اخلاق و تقوا را رعایت نموده و هم مشتریان بانکی باید خلف وعده ننموده و هم بانک باید به وظایف نمایندگی خود عمل کند و تا زمانی که برای او نسبت به صلاحیت فرد اطمینان حاصل نشود اقدام به اعطای تسهیلات ننماید و به دلالت آشکار –مستقیم و غیرمستقیم– و تلازم عقلی آیات مذکور، بانک باید به وظایف نمایندگی خود عمل کرده و تا زمانی که برای او نسبت به صلاحیت فرد اطمینان حاصل نشود اقدام به اعطای تسهیلات ننماید.

۵. از دیدگاه قرآن، جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد که این شخصیت واحده مالک تمامی اموال روی زمین است. در بانکداری‌اسلامی نیز مال و از جمله منابع بانکی مایه رشد و ترقی اقتصادی جامعه بوده و بانک باید در تخصیص منابع خود دقت بیشتری به خرج داده و حتماً اهلیّت گیرنده تسهیلات را احراز نماید. تا جامعه

Archive of SID

www.SID.ir

دچار خسران نشود. بنابراین آیات مذکور به لزوم بیّن دلالت دارند که برای صیانت از منابع مالی جامعه اسلامی اموری لازم است که اعتبارسنجی تقاضاکنندگان وجوه مالی متعلق به جامعه از لوازم قریب آنها می‌باشد.

٦. بانک به عنوان وکیل مردم باید این اصل قرآنی، یعنی اطمینان از عدم سفاهت را (به معنی عام) در عملیات خود رعایت کند. آیات هم سیاق، در این زمینه دلالتی تام بر نفی ریسک‌اعتباری در انواع تصرفات مالی دارند و به تلازم آشکار بر عرف مالی بلکه عرف عام مسلمین، اعتبارسنجی تقاضاکنندگان منابع مالی را با رعایت انصاف و امانت‌داری و بدون هر نوع تبعیض ضروری می‌دانند.

۷. بانک اسلامی وظیفه دارد تا از بازگشت وجوه اطمینان کسب نموده و از در اختیار گذاشتن تسهیلات به افرادی که صلاحیت لازم را ندارد خودداری کند، در غیر این صورت تصرف بانک در وجوه مردم مصداق اکل مال به باطل و موجب ضرر می‌شود و در نتیجه بانک و هر مؤسسه مالی و اعتباری که اجازه و یا وکالت تصرف در منابع مالی را دارد ضمن پرهیز از ریسک‌اعتباری باید اقدام به اعتبارسنجی تقاضاکنندگان وجوه نماید.

۸. ریسک‌اعتباری حداقلی، آثاری مانند افزایش اعتماد و پویایی در بازار مالی، کاهش هزینه مبادله، تسهیل در مبادلات و تراکنش‌های مالی و تخصیص بهینه منابع مالی در جامعه را به دنبال دارد.

۹. این تحقیق گویای این مطلب است که در صورت توجه و رعایت کامل این اصول باعث کاهش و کنترل بهتر ریسک‌اعتباری و ارتقای کارایی و اثر بخشی بانکداری اسلامی می‌گردد.

همچنین لازم است جهت رعایت و ارتقای کارایی عوامل فردی ذکر شده در متون دینی که باعث کاهش ریسک‌اعتباری می‌گردند قوانین و مقررات اجتماعی مورد نیاز وضع گردد و در واقع براساس این اصول دینی مقررات لازم نیز تعریف گردند تا کارایی لازم برای ممانعت از ریسک‌اعتباری را به همراه داشته باشد. یعنی به عنوان مثال اگر از نظر متون دینی تأخیر عمدی در پرداخت بدهی به بانک ظلم است باید قوانین مورد نیاز

Archive of SID

www.SID.ir

در این حوزه نیز وضع گردد تا بازدارندگی لازم را دارا بوده و اگر فردی مرتکب این ظلم شد با او برخورد قضایی گردد تا عدم ظلم در این عرصه نهادینه شود. البته باب تحقیق در این حوزه از منظر قرآنی همچنان باز بوده و پیشنهاد می‌گردد سایر محققین در پژوهش‌های مشابه به تبیین بیشتر موضوع بپردازند.

یادداشت‌ها

1. Oldhfield
2. Santamero
3. Credit Risk
4. Kabir & Worthington
5. Merton's Distance-to-Default Model

٦. مخصص یعنی تخصیص دهنده یک دلیل عام یا مطلق، که خود بر دو قسم است: لفظی و غیرلفظی؛ مخصصی که در لفظ و کلام نباشد مانند اجماع یا عقل، مخصص لبی نامیده می‌شود، مانند اینکه مولا بگوید: «اَکرم العُلَماء»، اما اجماع یا عقل، به اکرام نکردن فاسق حکم کند؛ در این مورد، اجماع یا عقل، مخصص لبّی به شمار می‌آید و علمای فاسق را از دایره حکم عام اولی خارج کرده و تخصیص می‌زند. بحث بیشتر در این زمینه در علم اصول فقه دنبال شود.

۷. سوره مبارکه بقره، آیه ۳۰.

۸. البته ریسک‌اعتباری ممکن است هیچ‌گاه کاملاً از بین نرود ولی از منظر قرآنی نباید وجود داشته باشد و یا در حداقل مقدار ممکن باید باشد.

کتابنامه

قرآن‌کریم.

بروجردی، سیدمحمدابراهیم (١٣٦٦)، *تفسیر جامع*، تهران: صدر، جلد ۲، چاپ ٦.

پاینده، ابوالقاسم (١٣٦٣)، *نهج‌الفصاحة*، تهران: دنیای دانش.

جوادی‌آملی، عبدالله (١٣٨٦)، *اسلام و محیط زیست*، قم: اسراء، چاپ ۲.

حویزی، عبدعلی بن جمعه (١٤١٥ق)، *تفسیر نورالثقلین*، قم: اسماعیلیان، چاپ ٤.

خادم‌علیزاده، امیر (۱۳۹۲)، *تفسیر موضوعی قرآن‌کریم با رویکرد اقتصادی*، قم: دفتر نشر معارف.

Archive of SID

www.SID.ir

خوانساری، رسول، محمدسجاد سیاهکارزاده و مجید اصغری (۱۳۹۱)، «بررسی فقهی امکان به کارگیری «سوآپ نکول اعتباری» و «ورق اعتباری» در مدیریت ریسک‌اعتباری بانک‌ها»، *تحقیقات مالی اسلامی*، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱٤۲.

رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۹)، «ویژگی‌های بازار اسلامی در نظریه و عمل»، *معرفت اقتصادی*، شماره ۳، صص ۹۳-۱۱۸.

زحیلی، وهبه (۱٤۲۲ق)، *التفسیرالوسیط*، دمشق: دارالفکر، چاپ ۱.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷٤)، *تفسیرالمیزان*، ۲۰ جلد، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۵.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳٦۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: فراهانی، چاپ ۱.

حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱٤۱٦ق)، *وسایل‌الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت، جلد ۱۳، چاپ۳.

فاضل‌مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (۱٤۱۹ق)، *کنز العرفان فی فقة القرآن*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، جلد ۲، چاپ ۱.

قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ ۱۱.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳٦٤)، *الجامع لأحکام القرآن*، تهران: ناصر خسرو، چاپ ۱.

کاشانی، ملأ فتح‌الله (۱٤۲۳)، *زبدة التفاسیر*، قم: بنیاد معارف اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱٤۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، جلد ۵.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸٦)، *میزان‌الحکمه*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، جلد ۱.

مقدس‌اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۰۵)، *زبدة البیان فی أحکام القرآن*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ ۱.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیرنمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ ۱.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۵)، «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا»، *حقوق اسلامی*، شماره ۸، صص ۱۰۵-۱۲٤.

Archive of SID

www.SID.ir

موسویان، سیدعباس و سیدمحمدمهدی موسوی‌بیوکی (۱۳۸۹)، «بررسی امکان استفاده از سوآپ بازده کل جهت مدیریت ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۷، صص ۱۲۱-۱٤٦.

میرغفوری، سیدحبیب‌اله و زهره امین‌آشوری (۱۳۹٤)، «ارزیابی ریسک‌اعتباری مشتریان بانک‌ها»، *کاوش‌های مدیریت بازرگانی*، شماره ۱۳، صص ۲٦٦-۲٤۷.

نظرپور، محمدنقی و علی رضایی (۱۳۹۲)، «مدیریت ریسک‌اعتباری در بانکداری‌اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات»، *تحقیقات مالی اسلامی*، شماره ٤، صص ۱۲۳-۱٥٦.

ویلیامز، چسترآرتور و ریچارد هاینز (۱۳۸۲)، *مدیریت ریسک*، مترجم: حجت‌اله گودرزی، تهران: نگاه دانش، چاپ ۱.

Basel, Committee on Banking Supervision, (1994). "Principles for the Management of Credit Risk", p. 4. www.bis.org/publ/pcbs54.htm

Cumming, C., & Hirtle, B. (2001). The Challenges of Risk Management in Diversified Financial Companies.

Van Greuning, H., & Brajovic Bratanovic, S. (2003). *Analyzing and Managing Banking Risk: a Framework for Assessing Corporate Governance and Financial Risk Management*. Washington, DC: World Bank.

Bessis, J. (2002). Risk Management in Banking, John Willey & Sons. *Inc., New York*.

Kabir, M. N., Worthington, A., & Gupta, R. (2015). Comparative Credit Risk in Islamic and Conventional Bank. *Pacific-Basin Finance Journal*, *34*, 327-353.

Mousavi, S. M. M. & Agha Mahdavi, A. (2008). Islamic Justification of Credit Default Swap for Managing Credit Risk in Islamic Banking.

Ross, S. A. (2013). Westerfield, Randolph; Jordan, Bradford: Fundamentals of Corporate Finance. 10th ed., Standard ed. New York, NY: McGraw-Hill/Irwi .

Santomero, A. & Oldhfield, M. (1997). "Commercial Bank Risk Management:An Analysis of the Process", *Journal of Financial Services Research*, V.12.

Saunders, A. & Cornett, M. (2003). "Financial Institutions Management", 4th Edition, New York, McGraw-Hill.

Weston, J. F. & Brigham, . F. (1978). *Managerial finance*, 6th ed. Eastbourne:Holt Rinehart and Winston.

Archive of SID

www.SID.ir

Islamic Finance Researches, Vol.6, No.2 (Serial 12), Spring & Summer 2017

Principles Governing Credit Rating in Islamic Credit Risk Management from the Perspective of the Qur'an

Ehsan Zakernia [*]
Amir Khadem Alizadeh [**]

Received: 14/07/2016
Accepted: 30/09/2016

Credit risk in banking is a loss resulted from the borrower's delay or default in fulfilling his obligations in maturity. Credit risk is one of the most important risks of banking and inadequate attention to loan applicants' credit validation is one of the major factors of it. This means that the loans are granted to those who are not qualified and so they refuse to repay them either intentionally or unintentionally. In this study we have selected some verses from the Holy Quran which describe the role, importance, conditions of acquisition, and personal characteristics of a person who wants to take an asset. The research method is descriptive-analytical and has tried to extract critical components from the Quran for the assessment of credit risk by adopting a thematic interpretation approach and by referring to the related interpretations.

The main research question is the principles that the Quran dictates for removing the credit risk and for assessing the borrower's characteristics when he applies for a loan. To respond to these questions, our hypothesis is that in terms of the Holy Quran, seven principles are determinative in Islamic banking behaviors, namely the necessity of social justice, the recognition of humans as divine caliph, the necessity of fulfilling one's promise, the necessity of rule of Islamic ethics in Islamic financial market, consistency of the property, necessity of proper use of the property and not handing it in to the feeble-minded people, and finally the principle of not inflicting damage on trade and financial deals. The results of the study confirmed the hypotheses.

Keywords: Credit Risk, Risk Management, Bank, Loan, Default, Validation, Quran, Property

JEL Classification: G21, G31, Z12

[*] Ph.D. Student of Financial Management, Faculty of Islamic Sciences and Management of Imam Sadiq University and Member of the Center for the Development of Imam Sadiq University, (Corresponding Author), ehsanzakernia@isu.ac.ir

[**] Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaei University, aalizadeh@atu.ac.ir

Archive of SID

www.SID.ir